

ذره یین

محمد باقر قالیباف؛ اصولگرایی که تکلیفش با خودش روشن نیست

مدیر تکنوکرات یا خلبان بدون ارتباط با برج مراقبت؟

محمد باقر قالیباف جزو معدود روسای مجلس جمهوری اسلامی است که موقعیتش بر روی نقشه طیف بندی های سیاسی ایران دقیقاً مشخص نیست. روسای مجلس گذشته هرکدام از یک جریان سیاسی برآمده بودند و می شد آنها را در یک دسته بندی سیاسی مشخصی قرار داد. اما قالیباف در این زمینه یک استثناست. هم زمانی که کاندیدای انتخابات ریاست جمهور بود نمی شد جای او را در طیف بندی های سیاسی مشخص پیدا کرد و هم زمانی که در مجلس دوازدهم به نقش آفرینی می پردازد در موقعیت مهمی قرار دارد. گاهی در محاصره تندروهاست و گاهی می خواهد همراه با مجموعه حاکمیت باشد. گاهی همین، علت تغییر موضع های ۱۸۰ درجه ای او هستند و تناقض بین گفتار و رفتار رئیس مجلس است.

خاستگاه قالیباف

قالیباف تاکنون چهار دوره یا به میدان انتخابات ریاست جمهوری گذاشته و هر بار تصویر جدیدی از خود به نمایش گذاشته است. خاستگاه قالیباف به سپاه پاسداران برمی گردد و معمولاً نظامی ها چهره ای پایبند به دیسیپلین از خود به نمایش می گذارند که در آن انعطاف و تغییر کمتر جا دارند. اما این موضوع در مورد قالیباف کاملاً متفاوت است. احتمالاً بخشی از ماجرا به آن برمی گردد که قالیباف از وقتی که لباس سپاه از تن درآورد به تغییر لباس و مسئولیت عادت کرده است. او بعد از فرماندهی نیروی هوایی سپاه لباس پلیس بر تن کرد و مسئول امنیت داخل مرز ها شد، اما همین لباس را در سال ۸۴ از تن خارج کرد و کت وشلوار پوشید و با عکس های خلبانی خود را در اختیار ستاد انتخاباتی اش قرار داد. همان موقع هم جمع اضداد آمد، به نوعی می خواست رضایان اسلامی باشد و در جای دیگر اصولگرایی اصلاح طلب. خبرنگاران نوشت، با این حال دستاوردش از این همه تناقض شهرداری و مدیریت شهری بود. زمانی که در شهرداری بود برخی اصلاح طلبان را نیز در کنار خود قرار داد. با این حال، اینها نمی توانست سابقه نظامی او را تغییر دهد و یا او را در جریان اصلاح طلبان قرار دهد. آن زمان می خواست به مدیر تکنوکرات شاید شبیه به اصلاح طلبان کارگزارانی شود و با همین اید هم وارد انتخابات ۹۲ شد. اما تحت تأثیر شکست در آن انتخابات رفته رفته اصرارگرایی او برجسته شد و در ۹۶ در سایه ابراهیم رئیسی وارد انتخابات شد؛ هرچند که تا آخر نماند و کناره گیری کرد.

مفهوم نواصولگرایی قالیباف

در آن انتخابات وقتی اصولگرایان سنتی از قالیباف حمایت نکردند، او مفهوم «نواصولگرایی» را مطرح کرد تا هم فاصله خود را از اصولگرایان سنتی نشان دهد و هم مسیر تازه ای در سیاست ایران باز کند. اما نواصولگرایی در حد شعار باقی ماند، چرا که تا به حال در انتخابات سیاسی اندیشه ای است که اعمال و رفتار افراد آن را توجیه می کند؛ ایجاد گفتمان صرفاً با واژه ساختن یا بلند یک پرچم از سوی سیاستمداران شکل نمی گیرد. قالیباف حتی اگر در طرح نو در فضای سیاسی ایران جدی بود حواشی «املاک نجومی»، «سبسمونی گیت» و... داشته باشد. سقوط آرای او از ۱۷ درصد انتخابات ۹۸ تا ۱۴۲ در پنج درصد هم گویای این مطلب است. در ۱۴۳ وقتی حادثه سقوط هلی کوپتر رئیس دولت سیزدهم رخ داد گویا قالیباف برنامه یزی نکرده بود کدام چهره را از خود نشان دهد. نهایتاً تصاویر متعدد از قالیباف خود گویای نبود یک تفکر منسجم در او یا ردوگاه او نشان می دهد. او نه تنها نمی توانست از بین این همه قالیباف یکی را انتخاب کند بلکه ظاهراً دنبال آن بوده که همه آنها هم باشد. اما هیچگاه هم نتوانسته از خود چهره ای فرا junction نشان دهد. حواشی نیز بر وجهه عمومی او غلبه داشت به طوری که به رغم داشتن سابقه ریاست مجلس رای او از یزنشکیان که نماینده ای عادی در مجلس بود فاصله بسیاری داشت.

مدل قالیباف در مجلس

از زمان روی کار آمدن پزشکیان وضعیت قالیباف پیچیده تر شده است. نداشتن موقعیت واضح در دسته بندی ها و طیف بندی های سیاسی قالیباف را در موقعیتی قرار داده که باید از یک سو خود را حامی تصمیمات دولت و حاکمیت نشان دهد و از سوی دیگر باید دل تندروها را به دست آورد؛ آنهایی که به خاطر کناره گیری نکردن قالیباف به نفع سعید جلیلی در انتخابات ۱۴۳ از او مکدر بوده اند. در ابتدای دولت چهاردهم قالیباف در مورد قانون مشاغل حساس و استیضاح عبدالناصر مهمی وزیر پیشین اقتصاد در کنار پایداری قرار گرفت یا با سکوتش زمینه را برای تحرک طیف پایداری فراهم کرد. اما در مواردی مثل ابلاغ نشدن قانون عفاف و حجاب که با تصمیم شورای عالی امنیت ملی متوقف شد در نقطه مقابل تندروها ایستاد.

یکشنبه

۱۱ • ۰۸ • ۱۴۰۴
۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۷
۲۰ نوامبر ۲۰۲۵

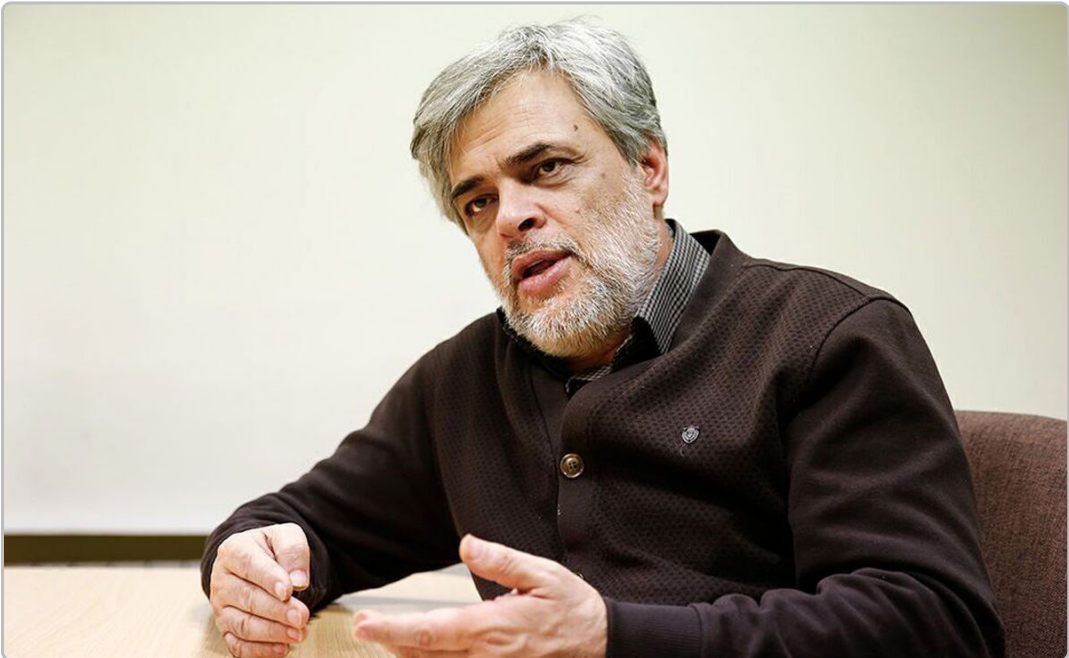
سال هشتم

شماره ۲۲۴۱

«آرمان ملی» مولفه های تقویت انسجام ملی و عبور از اختلافات را بررسی می کند

پرهیز از افتراقات ودوقطبی سازی

◀ محمد مهاجری در گفت وگو با «آرمان ملی»؛ عده زیادی از سیاستون در دبستان و کودکستان سیاست مشق می کنند



دبیر شعام است. جایی که در توثیتی آورده است: «به دلسوزان و عقلای سیاست توصیه می کنم از اختلاف و فعال کردن شکاف ها پرهیز کنیم و منافع ملی را در اولویت بگذاریم. دشمن مترصد فرصت است؛ همان طور که ندارند. حال اینکه در میانه بحث لزوم حفظ و تقویت انسجام ملی جریانی خاص وجود دارد که صرفاً به پیگیری منویات و اهداف خود می پردازد به جای حرکت در مسیر انسجام ملی مسیر خود را می پیماید. از همین رو است که وقتی همگان بر لزوم حفظ انسجام ملی و همبستگی اجتماعی در شرایط خطرکنونی تأکید دارند این جماعت رویکردهای دیگری اتخاذ می کنند و حتی در مسیر حجه، تخطئه و تخریب چهره های ملی نیز پیش می روند و حتی از حمله و هججه به سایر مسئولان کشور نیز باکی ندارند. نکته ای که علی لاریجانی در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز به آن تأکید داشته و شرایط حساس کنونی را متذکر شده است. جایی که می گوید: «برخی از زعمای سیاسی کشور هنوز حساسیت و خطرپبودن موقعیت فعلی را درک نکرده اند و به راحتی با یکدیگر جدال می کنند. این موقف نیازمند حق گفت و بزرگواری است. نمی گویم حق ندارند، اما گذشت زمانی معنا دارد که حقی وجود داشته باشد. در این شرایط باید از اختلافات عبور کنیم و برای تقویت انسجام ملی تلاش کنیم». آنچه علی لاریجانی بدان اشاره کرده و مورد تأیید بسیاری نیز قرار گرفته است ناظر بر آن است که با وجود شرایط حساس کشور برخی همچنان به جدل های حزبی و جریانی خود مشغول هستند و اساساً به جای تقویت انسجام؛ اختلافات را پررنگ می کنند. رویکرد سایر چهره های سیاسی همچون مصطفی پورمحمدی دبیر عالی جامعه روحانیت مبارز نیز موید صحبت های

مولفه های تقویت انسجام ملی

حال اما نکته اینجا است که باید چه اقداماتی صورت گیرد و چه تمهیداتی اندیشیده شود تا این انسجام و همبستگی به وجود آمده حفظ شده و از دست نرود. آنچه مسلم است در گام اول باید به سمت پررنگ نمودن اشتراکات و پرهیز از دامن زدن به افتراقات حرکت کرد و با هر جریانی که در مسیر اختلاف افکنی، ایجاد افتراق و دوقطبی در جامعه حرکت می کند مقابله کرد. گام دوم تلاش برای حل مشکلات به ویژه اقتصادی در جامعه است که تا حد ممکن با اقدامات مفید فایده و هدفمند نارضایتی های جامعه را به میزانی از رضایتمندی تبدیل کنیم. هر چقدر در این مساله عقب نشینی از اصول انقلاب ملی میان ملت و حاکمیت بیش از پیش شکل می گیرد، به رسمیت شناختن حقوق همه احزاب و جریانات سیاسی و حرکت در مسیر همگرایی ملی گام دیگری است که در این خصوص می توان برداشت. چیزی که مسعود پزشکیان، رئیس جمهور از آن تحت عنوان وفای ملی یاد می کند. تبعا هر چه

تندروها و مشق سیاست

یک فعال سیاسی اصولگرادر خصوص لزوم تقویت انسجام ملی و پرهیز از اختلافات سیاسی اظهارداشت: جریانات افتراقی منافع جناحی و خصوصی خود را بر منافع عمومی و اهداف ملی ترجیح می دهند. به خاطر اینکه آنچه را مهم و با ارزش می دانند منافع شخصی و جناحی است و تصور می کنند که فقط نظام و حاکمیت باید حافظ منافع ملی باشد. بنابراین چون خود را ذینفع و ذی نقش در منافع ملی و امنیت ملی نمی دانند بنا بر این به زندگی خود مشغولند و به دعوای خود سرگرم هستند. محمد مهاجری در این خصوص که تندروها منافع ملی را در منافع شخصی خود خلاصه می کنند به «آرمان ملی» گفت: گاهی اوقات نیز شاید تفکر تندروها بر این باشد که منافع شخصی و حزبی ما همان منافع ملی است. وی در خصوص نوع مواجهه با این جریان خاص بیان کرد: دلیل اصلی این مساله لول و سطح سیاستمداران ایرانی است که لااقل در بخش هایی از آنچه که در الان در بخش هایی از فضای جناح های سیاسی می بینیم به نظرم افرادی که در سطوح پایین دبستان

«آرمان ملی» اظهارات اخیر وزیر امور خارجه را تحلیل می کند

پاسخ منفی تهران به شروط غیرقابل پذیرش ترامپ

آرمان ملی- گروه سیاسی: با بررسی های انجام شده باید بگوییم که فضای دیپلماسی ایران وارد مرحله ای حساس و پرتنش شده است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در گفت وگویی با شبکه الجزیره اعلام کرده است که تهران خود را برای ا برپایی توافق از جمله احتمال وقوع درگیری نظامی؛ آماده کرده است. او همچنین به موردی که غربی ها را نگران کرده اشاره و اظهارکرد که مواد هسته ای ایران همچنان در همان تأسیسات بمباران شده باقی مانده و هیچ انتقالی صورت نگرفته است. سخنی که نشان می دهد ایران قصد ندارد در برابر فشارهای خارجی عقب نشینی کند. این موضع در حالی مطرح می شود که تنش ها میان تهران و واشنگتن باردیگر بر سر برنامه هسته ای و توان موشکی ایران بالا گرفته و مذاکرات عملا در بن بست قرار دارد. از سوی دیگر، آمریکا برای از سرگیری هرگونه گفت وگو، شروطی را مطرح کرده که به گفته مقامات ایرانی «غیر قابل پذیرش» است. این شروط شامل محدود کردن سطح غنی سازی اورانیوم، کاهش ظرفیت تولید سانتریفیوژهای پیشرفته، توقف توسعه موشک های بالستیک و پذیرش نظارت گسترده تر از آژانس بین المللی انرژی اتمی بر فعالیت های ایران است. واشنگتن این شروط را در امتداد سیاست «فشار حداکثری» خود می داند. اما در تهران این اقدامات به عنوان تلاش برای تضعیف استقلال و قدرت بازدارندگی کشور تلقی

می شود. به این نکته هم باید اشاره کنیم که مقامات جمهوری اسلامی بارها تأکید کرده اند که برنامه هسته ای و موشکی ایران قابل مذاکره نیست و به عنوان مؤلفه های اصلی قدرت ملی و امنیت کشور باید حفظ شوند. از نگاه تهران، پذیرش شروط آمریکا به معنای عقب نشینی از اصول انقلاب و تسلیم در برابر فشار خارجی است؛ موضوعی که نه در سطح حاکمیت و نه در جامعه ایرانی مقبولیتی ندارد. بنابراین، هرچند ایران همچنان از در دیپلماسی سخن می گوید، اما هم زمان بر آمادگی برای رویارویی احتمالی نیز تأکید می کند.

باتوجه به این مقدمه باید بگوییم که شرایط کنونی نشان می دهد روابط ایران و آمریکا باردیگر در نقطه ای بحرانی قرار گرفته است. نقطه ای که هر دو طرف میان گزینه گفت وگو و یا رویارویی نظامی در نوسان هستند. ایران تلاش می کند ضمن حفظ دستاورد های هسته ای و دفاعی خود، در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب مقاومت کند، در حالی که ایالات متحده نیز می کوشد از مسیر تحریم و تهدید، تهران را وادار به پذیرش شروط خود سازد. در چنین فضایی، دیپلماسی ایران در آستانه آزمونی سرنوشت ساز قرار دارد؛ آزمونی که نتیجه آن می تواند مسیر آینده منطقه و روابط تهران با جهان را تعیین کند. در ادامه این گزارش تحلیلی خواهیم داشت بر آخرین اظهارات وزیر امورخارجه که تنها مسیر رسیدن به نتیجه را مذاکره

غیرمستقیم عنوان کرده است. در این مورد بیشتر می خوانید.

موشک ها در نبرد واقعی

توسعه برنامه های موشکی ایران که دستاوردی ملی محسوب می شود، همواره یکی از نگرانی های غربی ها محسوب می شود با این حال این صنعت رو به گسترش است و ایران همواره از مدل های جدید موشک هایش رونمایی می کند حالا بنا به گفته عراقچی این موشک ها در نبردی واقعی محک خورده اند. وزیر امور خارجه ایران در گفت وگو با شبکه الجزیره با اشاره به آمادگی برای جدال های نظامی و قدرت بازدارندگی ایران گفت: «تهران برای هرگونه احتمالی آماده است و انتظار هر رفتار خصمانه ای از سوی رژیم صهیونیستی را دارد. در همه سطوح آمادگی بیشتری داریم و اسرائیل در هر جنگ آینده شکست دیگری را تجربه خواهد کرد. از جنگ اخیر تجربه بزرگی کسب کردیم و موشک هایمان را در نبردی واقعی آزمایش کردیم. اگر رژیم صهیونیستی دست به هر اقدام خصمانه ای بزند، نتایج آن برایش بسیار بد خواهد بود. اسرائیل تلاش کرد دایره جنگ را با هدف قراردادن تأسیسات نفتی ما به منطقه گسترش دهد. توانستیم جنگ با اسرائیل را به خوبی مدیریت کنیم و مانع از گسترش آن در منطقه شویم.»

غنی سازی و برنامه موشکی
بر کسی پوشیده نیست آمریکا همواره

آرمان ملی

armanmeli.ir

سیاست

گزارش

رقابت برای نفوذ در آسیای میانه

جنگ خاموش ایران واسرائیل

رقابت ایران و اسرائیل برای نفوذ در جمهوری های آسیای میانه، که از دهه ۱۹۹۰ با استقلال این کشورها آغاز شد، در سال های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ به اوج خود رسیده است. این رقابت، که ریشه در تقابل تاریخی دو کشور دارد، در آسیای میانه (منطقه ای غنی از منابع انرژی و راه های ترانزیت) به عنوان عرصه ای نوظهور ظاهر شده است. ایران، با بهره گیری از اشتراکات فرهنگی و زبانی با تاجیکستان و ترکمنستان، و اسرائیل، با تمرکز بر فناوری و امنیت، برای کسب نفوذ تلاش می کنند. گزارش مؤسسه بروکینگز در سال ۲۰۲۴ نشان می دهد که تجارت ایران با منطقه از ۵۰۰ میلیون دلار در ۲۰۲۲ به بیش از ۱.۵ میلیارد دلار در ۲۰۲۴ رسیده، در حالی که اسرائیل با صادرات فناوری، سهم خود را به ۸۰۰ میلیون دلار رسانده است. همچنین این رقابت، در بستر جنگ اوکراین و تضعیف نفوذ روسیه، شدت گرفته است. از یک سو، ایران با پیشنهاد های ترانزیتی مانند بندر چابهار که در ۲۰۲۴ با قزاقستان و ازبکستان توافق شد و از سوی دیگر، اسرائیل با همکاری های امنیتی مانند فروش پهپادها به قرقیزستان در ۲۰۲۴ پیش می رود. الجزیره و تایمز او اسرائیل تأکید دارند که این تقابل، نه تنها اقتصادی، بلکه سیاسی و فرهنگی است و می تواند تعادل منطقه را بهم بزند. در ادامه محیط منازعه و عوامل موثر بر آن را بررسی می کنیم.

آسیای میانه

سال ۲۰۲۴، قزاقستان، با ذخایر عظیم نفتی خود(حدود ۳۰ میلیارد بشکه، طبق گزارش مؤسسه بروکینگز)، به میدان نبردی برای نفوذ دو قدرت تبدیل شد. ایران، با پیشنهاد های ترانزیتی از طریق بندر چابهار، به دنبال ایجاد مسیر جایگزین برای صادرات نفت قزاقستان به هند و خاورمیانه بود. توافق نامه ژانویه ۲۰۲۴ بین تهران و آستانه، که تجارت دوجانبه را به یک میلیارد دلار رساند، نه تنها اقتصادی، بلکه سیاسی بود. ایران با تأکید بر اشتراکات شیعی در میان اقلیت آذری قزاقستان نفوذ فرهنگی خود را گسترش داد. از طرفی در بازارهای برجنب و جوش بخارا، جایی که کاروان های باستانی ابریشم هنوز سایه می اندازند، رقابت ایران و اسرائیل در ازبکستان مانند جریانی زیرپوستی جریان دارد. در ۲۰۲۴، ازبکستان، با جمعیت ۳۵ میلیونی و اقتصاد روبه رشد به عرصه ای برای نفوذ دو جانبه تبدیل شد. ایران، با تمرکز بر ترانزیت، از تاجیکان را با تأشکند امضا کرد که مسیرهای تجاری از ازبکستان به هند را کوتاه می کند. در ادامه همین مسیر، تجارت دوجانبه به ۲۸۰ میلیون دلار رسید، با صادرات محصولات دارویی و مهندسی ایران، که ۲۰ درصد بازار ازبکستان را تصاحب کرد. این نفوذ اقتصادی به مرور سیاسی شد و ایران با حمایت از ازبکستان در سازمان ملل روابط را تقویت کرد. اما اسرائیل، با فناوری، پاسخ داد. اما در ترکمنستان، ماجرا متفاوت است. ترکمنستان در ۲۰۲۴، با ذخایر گاز ۵.۱۹ تریلیون مترمکعبی، به میدان نفوذ تبدیل شد. ایران، با پیشنهاد ترانزیت از طریق بندر ترکمن باشی به چابهار، توافق نامه ای امضا کرد که صادرات گاز ترکمنستان به هند را تسهیل می کند. تجارت دوجانبه به ۵۰۰ میلیون دلار رسید، با تمرکز بر انرژی و حمل و نقل، که ۲۰ درصد صادرات ترکمنستان را تحت تأثیر قرار داد. این نفوذ، سیاسی شد و ایران با حمایت از بی طرفی ترکمنستان در سازمان ملل (۲۰۲۴)، روابط را تقویت کرد. در اینجا اسرائیل، با فناوری، پاسخ داد. در ۲۰۲۴، تاجیکستان، با جمعیت ۱۰ میلیونی و اقتصاد به عرصه نفوذ تبدیل شد. ایران، با زبان پارسی مشترک، توافق آموزشی امضا کرد که ۱۰۰۰ دانشجوی را به دانشگاه های تهران فرستاد. تجارت دوجانبه به ۳۸۰ میلیون دلار رسید. با صادرات دارو و انرژی ایران، که ۱۵ درصد بازار تاجیکستان را تصاحب کرد. این نفوذ، سیاسی شد؛ ایران با حمایت از تاجیکستان در سازمان ملل (۲۰۲۴) روابط را تقویت کرد. اما اسرائیل، با امنیت، پاسخ داد. در قرقیزستان نیز، رقابت ایران و اسرائیل بر پایه امنیت و فرهنگ پیش می رود. در ۲۰۲۴، قرقیزستان، با جمعیت ۷ میلیونی و اقتصاد وابسته، به میدان نفوذ تبدیل شده است. ایران، با پیشنهاد های ضد تروریستی، توافق SCO امضا کرد که همکاری در مرزهای افغانستانی را شامل می شود. تجارت دوجانبه به ۳۰۰ میلیون دلار رسیده و با صادرات محصولات کشاورزی ایران، این نفوذ، سیاسی شده است تا آنجا که ایران با حمایت از قرقیزستان در سازمان ملل (۲۰۲۴) روابط را تقویت کرد. اسرائیل، با پهپادها، پاسخ داد.

رقابت به کدام سمت می رود؟

از منظر نهادهی، رقابت ایران و اسرائیل در آسیای میانه بر نهادهای منطقه ای مانند سازمان همکاری شانگهای (SCO) و سازمان همکاری اقتصادی (ECO) متکی است. گزارش مؤسسه بروکینگز (۲۰۲۴) نشان می دهد که ایران از همکاری های اقتصادی در چارچوب اکو استفاده می کند، اما اسرائیل، با تمرکز بر نهادهای غربی مانند ناتو و پیمان ابراهیم همکاری امنیتی را پیش می برد که نفوذ نهادهی غرب را افزایش می دهد. نهادهی، ایران، سلطه سازمان همکاری شانگهای را برای دیپلماسی ضد غربی به کار می گیرد، اما اسرائیل با نهادهای دوجانبه مانند قراردادهای فناوری در ترکمنستان رقابت می کند. در قزاقستان، شانگهای نفوذ ایران را افزایش داده، اما اسرائیل با نهادهای آموزشی، جوامع یهودی را فعال کرد. در ازبکستان، همکاری های اکو، تجارت را تسهیل کرد، اما اسرائیل با نهادهای آبیاری، تولید را بهبود بخشید. در ترکمنستان، بی طرفی نهادهای ایران با محدود کردن همکاری با بهره گیری از ظرفیت شانگهای، گاز را هدف قرار داد. در تاجیکستان، اشتراک فرهنگ پارسی، نهادهای دفاعی ایران را تقویت کرد، اما اسرائیل با نهادهای دفاعی، امنیت را افزایش داد. در قرقیزستان، نهادهای همکاری زیرپوستی ایران را پیش برد، اما اسرائیل با استفاده از ظرفیت ناتو، پهپادها را فروخت. در مجموع رقابت ایران و اسرائیل در آسیای میانه، تعادل منطقه را به چالش کشیده است. افزایش نفوذ ایران در ترانزیت و افزایش صادرات اسرائیل در فناوری از پیامدهای این محیط مناقشه هستند.